

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل

۲۸ نومبر ۲۰۱۹



بود و نبود هزاره

افغانستان بسیار ددرس دارد؛ حکومت متمرکز و فدرالی، فارسی و پشتو، فرهنگ شهری و روستائی، شمال و جنوب، درانی و غلجائی، سنت اسلامی-قبیله ئی و قوانین مدنی و غیره. بود و نبود (غیبت و حضور) هزاره، در هر جا از حکومت گرفته تا بازار و سرک و مکتب و پوهنتون نیز از مسایل بسیار "دردسرساز" است.

بنای افغانستان امروز در نبود (نفی) هزاره گذاشته شده است، از این رو تقریباً همه ما، تمام جریان های سیاسی و قومی به شمول خود هزاره ها نتوانسته ایم از شر کلیشه های که نسبت به هزاره ساخته شده است رهائی پیدا کنیم. ما مدام از تفاوت واقعیت مردم هزاره با آنچه در ذهن داریم، غافل گیر می شویم. به همین خاطر هزاران داکتر تاجیک، صدها ورزشکار پشتون، ده ها مدال ازبیک و صدها هزار تحصیل کرده غیر هزاره تعجب کسی را بر نمی انگیزد چون نورم است و با اصول پایه افغانستان امروز سازگار، ولی چند مدال هزاره، چند درخشش تحصیلی و انگشت شما تاجر و سیاستمدار موفق هزاره ما را تکان می دهد و ذهن های را که با غیبت هزاره خو گرفته به حیرت می اندازد. هرگونه استثنای مثبت و منفی که به هزاره نسبت داده می شود به نحوی با همان کلیشه های تاریخی و "نورم ملی" غیبت هزاره ارتباط دارد.

صفات زحمت کش، متمدن، درس خوان، صلح دوست به اندازه قوم خاین، جوالی، بدمذهب، اولاد چنگیز و بسیار صفات ناروای دیگر کلیشه ای و نادرست است.

بیشتر ما باور نکرده ایم که هزاره در بدی و خوبی، زشتی و زیبایی، ظلم و محبت، استعداد و تنبلی هیچ تفاوت جمعی و طبیعی با مردم دیگر ندارد. حتی "صالح" در ناخودآگاهش هزاره هنوز مردم غایب و از نظر سیاسی-مدنی خلع سلاح است و به زبان آوردن صفات حساسیت برانگیز در مورد آنان کلیشه پذیرفته شده و ابزار تبلیغاتی بی ریسک می باشد،

ورنه قبل از نوشتن آن پست فیسبوکی حتماً تأمل می‌کرد و آن قدر به عجله و بی‌حساب نمی‌نوشت که کلیشه‌های ذهنی‌اش به‌جای نقل‌قول مولوی حسام ثبت شود.

در سال‌ها و ده‌های پیش‌رو هزاره‌ها احتمالاً بارها خود و دیگران را به حیرت خواهند انداخت. هنوز خیلی نهادها بر بنیاد "نبود" هزاره استوارند، کلیشه‌های زیادی متأثر از غیبت هزاره بر ذهن خود هزاره‌ها و دیگران حاکم است. تا وقتی باور کنیم که واقعاً هزاره افغان است و مثل دیگران صاحب این خاک، بسیار سال‌ها خواهد گذشت. امروز خیلی‌ها در میان هزاره‌ها و دیگر اقوام در افغان بودن این مردم شک دارند، نسبت به جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌شان دچار تردید اند. در سال‌های پیش‌رو وقتی برای ساختن افغانستان مدرن کار می‌کنیم، برداشتن بناهای قدیمی استوار بر تعصب و تبعیض آسان نخواهد بود و پاک‌کاری باورهائی که از کودکی در گوش‌ها خوانده می‌شود، مشکلات زیادی خلق خواهد کرد. باید صبور بود.